

بازهم در باره لایحه تشکیل سندیکاهای کارگری

آگاه و پیشرو، که سابقه خوبی در میان کارگران دارند، اهمیت کلیدی دارد.

بحث فعالان سندیکایی و کارگران آگاه و پیشروی میهن در رابطه با راهیابی مناسب برای تشکیل سندیکاهای واقعی و تشکل های صنفی مستقل کارگری، در هفته های اخیر، ادامه و گسترش یافته است. اکثر نیرو های مدافع حقوق طبقه کارگر متفق القول هستند که باید از روزنه

* آنچه که در مورد تشکیل سندیکا ها باید پذیرفته شود عبارتست از: تضمین و تامین آزادی فعالیت های سندیکایی، به رسمیت شناختن هویت مستقل طبقه کارگر، عدم مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم در امور داخلی آن، به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل برای طبقه کارگر.
* وجود سندیکا مستقیماً وابسته به آزادی فعالیت سندیکایی و استقلال داخلی سازمان آن است. این آزادی بخشی از آن آزادی بی است که آماج عمده مبارزه نوده ها در برهه کنونی محسوب می شود.
* پیش قدم شدن فعالان سندیکایی باسابقه و کارگران

ادامه در صفحات ۴ و ۵

نصب لوح یادبود به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی در صفحه ۳



شماره ۶۶۸، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۱ شهریور ماه ۱۳۸۲

بزودی منتشر می شود
ویژه نامه «دنیا» به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی



ویژه نامه مجله «دنیا» به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی، آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان میهن ما آماده چاپ شد. در این ویژه نامه از جمله مقالات زیر به چشم می خورد:

- * نیم نگاهی به زندگی و فعالیت سیاسی، اجتماعی و علمی یک چهره برجسته جنبش کارگری میهن ما
- * دکتر تقی ارانی در برلن
- * تولد مجله «دنیا»
- * اسناد چه می گویند
- * نویافته ها (به همراه ده ها عکس، سند و دست خط دکتر تقی ارانی)
- * زندگی نامه کوتاه دکتر ارانی به قلم خود وی
- * متن سخن رانی دکتر تقی ارانی برای دانش آموزان
- * کتاب شناسی و فهرست آثار دکتر تقی ارانی
- * اولین و آخرین اثر
- * یادنامه دکتر تقی ارانی با اشعار و آثاری از: احسان طبری، نیما یوشیج، اسماعیل شاهرودی (آینده)، احمد شاملو، یحیی آرین پور، بزرگ علوی، منوچهر شیبانی، جبار باغچه بان و ...

ارتجاع و تجربه هایی که نباید تکرار شود

شکست های سنگین ارتجاع در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، و در پی آن، در جریان انتخابات ششمین دوره مجلس و سپس در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، از جمله حوادثی بود که ارتجاع حاکم را با دشواری های زیادی روبه رو کرد. مرتجعان حاکم در ارزیابی این حوادث متوقف القولند که این حوادث محصول اشتباهات مهمی در ارزیابی اوضاع کشور و روند خطرناکی بود که باید برای «حفظ نظام» به سرعت آنها را تصحیح کرد و در آینده به هیچ صورتی اجازه تکرار آنها را نداد. در اخبار هفته گذشته نشانه های روشنی از تدارکات وسیع ارتجاع و مرتجعان حاکم برای آماده کردن مراحل نهایی بازگرداندن اوضاع و «تصحیح اشتباهات» انتخاباتی گذشته به چشم می خورد که حائز اهمیت است. پایگاه اینترنتی «امروز» در خبری درباره تدارکات برای انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی از جمله نوشت: «شورای نگهبان در اقدامی بی سابقه جناحی ترین هیأت نظارت بر انتخابات را تشکیل داد تا ثابت کند آنچه برای شورای نگهبان مهم است نتیجه انتخابات است نه حضور گسترده مردم... در این هیأت آقایان جنتی (که خود را با اصلاح طلبان در جنگ می داند، رئیس) زواره ای (عضو سابق شورای مرکزی

جمعیت مؤتلفه)، صادق لاریجانی (مسئول به بن بست رسیدن مذاکرات شورای نگهبان و مجلس و یکی از عوامل استعفای دکتر معین) کدخدایی (از حقوقدانانی که حدود پنجاه رأی از دویست و نود رأی مجلس را کسب کرد و حضورش در شورای نگهبان غیرقانونی است) و سید محمد جهرمی (استاندار سابق فارس و از مخالفان اصلاح طلبان که دفاتر غیرقانونی نظارتی زیر نظر وی تشکیل شده و برای داوطلبان پرونده می سازد) حضور دارند.» به اعتقاد پایگاه خبری امروز «سابقه نداشت هیأت مرکزی نظارت قبل از مشخص شدن تاریخ انتخابات و شروع به کار هیأت های اجرایی تشکیل شود (حدود دو ماه زودتر آغاز به کار کرد) اما این هیأت تشکیل شد تا دفاتر غیرقانونی نظارت زیر نظر آنها توجیه پیدا کند.» همچنین در اخبار آمده بود که ذوالقدر، جانشین فرمانده کل سپاه در سخنان تحریک آمیزی گفته است: «عده ای در درون حاکمیت دارند حکومت دینی را زیر سؤال می برند. متأسفانه عده ای در دستگاه های داخلی رسوخ کرده اند که باید شناسایی و از ارکان قدرت پایین کشیده شوند. این جایگاه ها باید در اختیار نیروهای وفادار به انقلاب قرار گیرد.»

ادامه در صفحه ۶

درباره نقش مخرب سپاه پاسداران! در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

درباره نقش مخرب سپاه پاسداران!

اقدامات سپاه پاسداران در شرایط حساس کنونی، خطری است

جدی برای امنیت و منافع ملی کشور

یکی از ویژگی های بارز رویدادهای اخیر میهن ما، به ویژه با در نظر گرفتن حضور نظامی گسترده امپریالیسم در خلیج فارس و دو کشور هم مرز با ایران، تحرک چشم گیر و پرسش برانگیز سپاه پاسداران به عنوان یک نهاد ضد مردمی است.

سپاه پاسداران طی ماه های اخیر، یک سلسله اقدامات را در زمینه های گوناگون سیاسی، نظامی و امنیتی تدارک دیده و دست به سازماندهی وسیع زده است. بر این اقدامات، جز ماجراجویی خطرناک و عدم تعهد به منافع مردم میهن نام دیگری نمی توان نهاد.

در اوضاع فوق العاده حساس کنونی که، خطرات همه جانبه ایران را تهدید می کند، نباید و نمی توان به سادگی با این حرکات برخورد کرده، و با بی تفاوتی از آن گذشت. فرماندهان سپاه پاسداران به دستور و صلاحدید خامنه ای و رفسنجانی برنامه های گسترده ای را طرح ریزی و آماده کرده اند. سخنان پاسدار مسعود جزایری سخنگوی سپاه پاسداران در گردهمایی مدیران و کارکنان روابط عمومی این ارگان نظامی امنیتی بخشهایی از برنامه ها و مقاصد شوم سپاه پاسداران را از پرده برون افکنده و در معرض دید قرار می دهد. جزایری از جمله تاکید کرده است که: عده ای در کشور با در دست داشتن مراکز و مناصب مهم حکومتی بصورت اپوزیسیون رفتار می کنند... این عده در حساس ترین سازمان ها و مراکز تصمیم گیری و اجرایی حضور دارند... بررسی ها نشان می دهد که، گروه ها و احزاب و شخصیت های استحاله شده باید مسند های خود را در اختیار نیروهای دلسوز و ارزشی نظام قرار دهند. وی سپس با اشاره گذرا به تحولات منطقه و تاثیر آن بر رویدادهای داخلی، سیاست رسمی سپاه پاسداران را چنین بیان داشت: مردم اجازه نفوذ عناصر غیر خودی به صحنه تصمیم گیری و قانون گذاری در کشور را نخواهند داد. این موضع گیری سخنگوی سپاه پاسداران، نشانگر این امر است که، نهاد ضد مردمی مزبور به عنوان یک نیروی بانفوذ در معادلات سیاسی کشور، با دخالت در اموری که ربطی به آن ندارد، در پی ایجاد آنچنان شرایطی است، تا با تمسک به آن، جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم را مورد یورش قرار داده و سرکوب خونینی را با هدف خاموشی صدای حق طلبانه توده های مردم سازمان دهد؛ پوشش و یا به بیان دیگر پرده استتار این هدف سرکوب دخالت بیگانگان، خطر تهاجم آمریکاست.

درست در پیوند با این هدف، چندی پیش، یحیی رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران اعلام داشت، سپاه پاسداران راهبردی نوین را تحت نام نبرد نامتقارن طراحی و آماده نموده. او در توضیح این به اصطلاح راهبرد طراحی شده توسط نوابغ پاسدار متذکر گردیده است؛ سپاه استراتژی دفاع از مرزها را به دفاع در سطح بدل کرده، یعنی اینکه، در تمام سطح کشور هیچ نقطه بی وجود نداشته باشد که، اگر نیروهای آمریکایی در آن پیاده شده و یا گذاشتند نیروهای سپاه و بسیج با آن مقابله نکنند. در همین راستا سپاه و بسیج رزمایش های متعددی را سازمان داده اند. از جمله می توان به حضور هزاران پاسدار و بسیجی مسلح در رشته کوه های سراسر کشور مانند البرز، زاگرس، بینالود، تفتان، بارز و هزارمسجد و بشاگرد اشاره کرد. این افراد مطابق راهبرد نبرد نامتقارن به قله های بلند همچون سبلان، سهند، دنا، الوند، توجال و... صعود می کنند! یکی از این نمایشات، صعود ۱۴ هزار بسیجی

به قله سبلان بود که طی آن رحیم صفوی برای آنها سخنرانی کرد! باید تاکید کنیم، راهبرد مذکور نه تنها در عرصه سیاسی یک ماجراجویی احمقانه بیش نیست، بلکه حتی از نقطه نظر منطبق نظامی حرکتی عبث و فاقد هرگونه کارایی است. علت اصلی چنین حرکات ماجراجویانه و پرهزینه ای، همانطور که، قبلاً اشاره کردیم، هر چه بیشتر نظامی کردن حیات کشور است تا ارتجاع و رژیم استبدادی ولایت فقیه بتواند با سرکوب خشن و خونین، جنبش مردمی را به عقب نشینی و در پایان به نابودی بکشاند. آرزو و هدف اصلی فرماندهان سپاه پاسداران تثبیت موقعیت رژیم و حفظ منافع خود آنهاست.

پاسدار حجازی، فرمانده نیروهای بسیج، طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان با صراحت گفته بود: در مقابل (آمریکایی ها) باید یک دفاع همه جانبه را داشته باشیم... لذا ما در بسیج یک توسعه متوازن و دفاع همه جانبه (در کلیه عرصه ها فرهنگی سیاسی، نظامی و...) را در دستور کار خود قرار داده ایم، بنا بر این هیچ گروه و تشکیلی در داخل کشور نخواهد توانست به صورت سازمان یافته با اهداف آمریکا همراهی و همکاری کند چرا که، قطعاً با مقابله شدید بسیج روبرو خواهد شد. به این ترتیب به نام مقابله با آمریکا برای جنبش مردمی خط و نشان کشیده می شود و نیروهای سیاسی رسماً و علناً تهدید می شوند!

سپاه پاسداران بازوی ارتجاع و استبداد و همه نیروهای واپس گرایی است که حفظ موقعیت رژیم ولایت فقیه در لحظه کنونی هدف اصلی آنان است. خطرات و زیانهای بزرگی که، از ناحیه این حرکات ماجراجویانه میهن ما را تهدید می کند بر هیچ حزب و سازمان و نیروی جدی و مسئول پوشیده نیست. فقط آن دسته از نیروهای ضد ملی و ضد مردمی چون مدافعان رژیم ولایت فقیه و باندهای سلطنت طلب می توانند در برابر آینده میهن و منافع مردم آنچنان بیگانه و بی تفاوت حرکت کنند که، موجبات دخالت آمریکا قدرتهای امپریالیستی را به اشکال گوناگون در داخل کشور فراهم آورد. آیا اقدامات سپاه پاسداران جز این چیز دیگری معنا می دهد.

سپاه پاسداران و اقدامات و حرکات آن به ویژه در اوضاع حاضر در جهت تقویت و تثبیت منافع سیاه ترین قشرهای سرمایه داری ایران یعنی سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک نوین است، زیرا فرماندهان سپاه با هزاران رشته با این طبقات انگلی جامعه ایران پیوند دارند. در سال های اخیر، گزارشات متعددی از دخالت فرماندهان سپاه پاسداران در غارت ثروت ملی و فساد مالی انتشار یافته است. حفظ وضعیت موجود و بقای رژیم ولایت فقیه با منافع سردمداران سپاه پاسداران گره خورده است. اینان از منافع خود در مقابله با مردم و پیشاپیش همه طبقات محروم و زحمتکش دفاع می کنند. اقدامات تحریک آمیز و ماجراجویانه سپاه پاسداران و طرح و تدوین راهبردهای خیالی و توخالی که هیچ گونه پایه واقعی ندارند. باید آگاهانه و سازمان یافته، این اقدامات را افشا و خنثی کرد. هدف سپاه پاسداران برقراری آرامش گورستانی به هر شکل ممکن است، از این رو باید با مبارزه بی متمدن و متشکل این برنامه را با شکست روبه رو کرد.



که کنه
گلویتس
مدت ها
در آن جا
سکونت
داشته
است و به
همین سبب
نیز آن
خانه را
تبدیل به
موزه کرده
اند.

از
دیگر
مصادر
قابل ذکر
که به
نحوی به
خانه محل
سکونت
دکتر تقی
ارانی
مربوط می

شود این است که وی یادداشت های کتاب معروف خود با عنوان «پسیکولوژی» را در این خانه به اتمام رسانده است. دکتر تقی ارانی در پایان مقدمه یی که بر کتاب پسیکولوژی نوشته، چنین قید کرده است: «برلن دسامبر ۱۹۲۷» و این دلالت بر آن دارد که وی مدتی در این خانه مشغول نگارش این اثر بوده است. علاوه بر این دکتر تقی ارانی در این خانه با سایر کمونیست های ایرانی ساکن برلن و دیگر انقلابیون و مهاجرین دیدار و ملاقات داشته است.

مجموعه این مناسبت ها و به ویژه فرارسیدن صد سالگی زادروز دکتر تقی ارانی انگیزه یی شد که با نصب لوحه از جانب حزب توده ایران در این مکان از شخصیت دکتر تقی ارانی تجلیل و یاد او را گرامی بدارد. «نامه مردم» برای اطلاع رفقا، دوستان و علاقه مندان، در زیر گزارش کوتاهی را از مراسم کوتاه و مختصری که به این خاطر از جانب حزب ما برگزار شد، منتشر می کند: در روز شنبه ۷ شهریورماه تعدادی از رفقای توده ای برای شرکت در مراسم پرده برداری از لوح یادبود، در محل حاضر شدند که در میان آنان رفیق خاوری نیز حضور داشت. سپس رفیق خاوری درباره شخصیت دکتر تقی ارانی سخنانی ایراد کرد و از جنبه های مختلف علمی و انقلابی فعالیت های وی را ستوده و نقش و اهمیت او را به عنوان یکی از چهره های فروزان تاریخ معاصر ایران یادآور شد.

در پایان این مراسم مختصر و کوتاه، لوح یادبود که توسط پارچه های رنگین و تاج گل اهدایی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران پوشیده شده بود، پرده برداری شد.

بر روی تابلو نصب شده علاوه بر عکس دکتر تقی ارانی و تاریخ تولد و تاریخ شهادت او این نوشته نیز جلب نظر می کند: «در این خانه در سال های دهه بیست، دانشمند و مبارز ضد فاشیست ایرانی، دکتر تقی ارانی زندگی و کار می کرده است.»

نصب لوح یادبود به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی

با فرارسیدن ۱۳ شهریورماه ۱۳۸۲ (برابر با ۵ سپتامبر ۲۰۰۳) صد سال از تولد دکتر تقی ارانی، یکی از برجسته ترین چهره های جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما می گذرد. به همین مناسبت و برای ارج نهادن به زندگی و مبارزه این انقلابی بزرگ میهن ما حزب توده ایران در صدد بر آمد که به استقبال این روز فرخنده رفته و یاد او را به طرق گوناگون گرامی بدارد.

یکی از اقداماتی که حزب ما در این زمینه تا کنون انجام داده است، نصب تابلو یادبود دکتر تقی ارانی در مرکز شهر برلن پایتخت آلمان است. همان شهری که دکتر تقی ارانی دوران دانشجویی خود را در دهه بیست میلادی با موفقیت پشت سر گذاشت و در همین شهر نیز با اندیشه های کمونیستی آشنا گشته و به مبارزه انقلابی و سازمان یافته روی آورد.

این تابلو بر دیوار خانه یی نصب شده که دکتر تقی ارانی چند سال از عمر خود را در آن

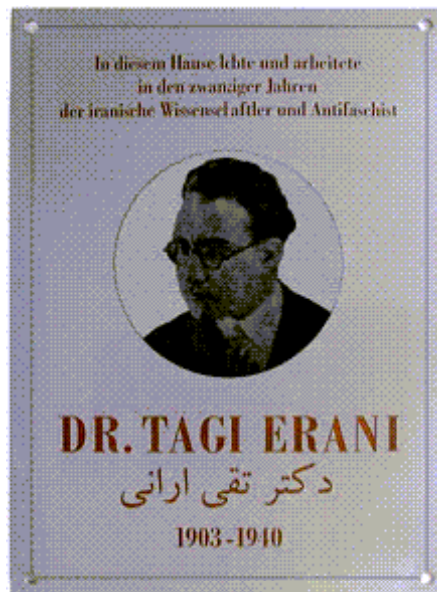
بسر برده است. این خانه در خیابان فزانن شماره ۲۲ (Fasanen Strasse)،

در محله قدیمی شارلوتن بورگ، واقع شده و دکتر تقی ارانی بین سال های ۱۹۲۵ تا اوایل ۱۹۲۹ یعنی تا زمان بازگشتش به

ایران، در آن سکونت داشته است. این خانه در یکی از

قدیمی ترین و

معروف ترین محله های برلن قرار دارد که در همان دهه بیست میلادی شخصیت های سیاسی، اجتماعی و هنری برجسته از جمله: گیورگی دیمیتریف، کنه گلویتس، هاینریش مان و دیگران در این خیابان ساکن بوده اند و تابلوهای فراوانی که بر سردر خانه ها نصب شده و از این چهره ها یاد می کند، نشان از این دارد. برای مثال در همسایگی خانه یی که دکتر تقی ارانی در آن منزل داشته است یعنی در خانه شماره ۲۴ هم اکنون موزه نقاش و مجسمه ساز معروف آلمان کنه گلویتس قرار دارد، زیرا



«در این خانه در سال های دهه بیست، دانشمند و مبارز ضد فاشیست ایرانی، دکتر تقی ارانی زندگی و کار می کرده است.»

ادامه بازهم درباره لایحه تشکیل سندیکاهاى ...

ایجاد شده در رابطه با عقب نشینی مشخص دولت و قبول تشکیل سندیکاهاى کارگری «بر پایه مدل مورد نظر سازمان بین المللى کار» بهره جست و اجازه نداد که رژیم مدافع سرمایه داران و سران ارتجاعى خانه کارگر و شوراهاى اسلامى کار آن را از پتانسیل بالقوه پى که دارد تهى کنند. در این رابطه عملکرد دقیق و برنامه ریزى شده فعالان کارگری میهن برپایه درک همه جوانب کار و از جمله امکانات و محدودیت ها در برهه کنونی و شرایط حاضر ضرورى مى باشد. به موازات این بحث راه گشایانه همان گونه که انتظار مى رفت کارزار منفى هم از موضع راست و هم از موضع افراط گراییانه «چپ» برای تخطئه کردن فرصت مطرح شده، شدت گرفته است. در حالی که سران «شوراهاى اسلامى کار» ضرورتى برای ایجاد سندیکاها نمى بینند و چنین قدمى را متوجه موقعیت ممتاز خود مى دانند، از سوى دیگر «چپ» افراطى کلاً لایحه تشکیل سندیکاها را توطئه پى محسوب کرده و به موضع سنتى غیر واقع بینانه خود، که اساساً برای سندیکاها توانى قابل نیست و در عوض با چشم بستن بر واقعیت هاى موجود مدافع ایجاد و عملکرد «شوراهاى کارگری» به مثابه هسته حکومت آینده «شورایی» است، تأکید مى ورزد!

در این رابطه و برای حرکت از موضعی اصولی و قابل دفاع، قبل از هر چیز باید اندیشید که با توجه به مقاومت بهیمی سران و سیاست گذاران رژیم «ولایت فقیه» در مقابل خواسته کارگران کشور برای تشکیل سازمان هاى صنفى مستقل خود چرا وزارت کار در شرایط کنونی به چنین عقب نشینی ای تن داده است. نامه مردم در مقاله منتشره در شماره ۶۶۶ با اشاره به بحران «همه جانبه، دامنه دار و ژرفی» که رژیم با آن دست به گریبان مى باشد، همچنین به نگرانی سران رژیم در رابطه با «تحولات داخلی، منطقه پى و جهانی» توجه داده و اعلام خطر مى کند که رژیم خواهد کوشید که «با برخی اقدامات نیم بند و مانورهای حساب شده از حدت و میزان بحران کاسته و فضایی برای تحرک خود با هدف حفظ کيان نظام فراهم آورد» و اینکه در اساس کوشش مقامات رسمى کماکان در جهت «نگهداشتن این تغییرات در سطح ظاهرى و شکل این پدیده» است.

حقیقت اینست که موفقیت برنامه استراتژیک دولت در پیوستن به «سازمان تجارت جهانی» و نیز جلب سرمایه گذاری خارجی به کشور در گرو نمایش رعایت استاندارد هاى معمول و متداول در شرایط مشابه و از جمله قبول شکل هاى مشخص و متداولی از برخورد و عملکرد در زمینه تشکیل هاى صنفى مى باشد. شوراهاى اسلامى کار هم بدلیل ساختارى (امکان بالقوه دخالت در مدیریت واحد هاى کارى)، زیر علامت سؤال بودن رابطه نزدیک با رژیم و عملکرد عمیقاً ضد کارگری آنان و هم بدلیل رویگردانی وسیع زحمتکشان از آن ها کارایی نخواهند داشت. درست به همین دلیل است که محسن خواجه نوری، معاون وزیر کار و امور اجتماعى در سخنان خود خطاب به خبرنگاران مى گوید که: «پیوستن به مقاله نامه هاى ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللى کار اجتناب ناپذیر است و پیش نیاز الحاق به این مقاله نامه ها نیز پذیرش برخی شرایط اعضاى این سازمان است». البته ایشان توضیح نمى دهند که دلیل این «اجتناب ناپذیر» بودن چیست و یا اینکه «شرایط اعضاى سازمان بین المللى کار» در چه رابطه ای بوده است.

فعالان سندیکایی پیشرو کشور، بر پایه تحلیل اوضاع، و از جمله دلایل محافل حکومتی به مطرح کردن این لایحه معتقدند که در صورت عملکرد برنامه ریزى شده و بر مبنای اصول، تشکیل سندیکاها و اتحادیه هاى کارگری مستقل و واقعی و تعیین نمایندگان واقعی

زحمتکشان توان دگرگونه کردن شرایط را خواهد داشت. در این مسیر مى توان و مى بایست در عمل ابتکار را بدست گرفت و با شرکت فعال در روند تشکیل سندیکاها از آغاز بر پایه شرکت مستقیم کارگران در تدوین اسناد مربوط به عملکرد آن، اصرار ورزید و با ارائه طریق در مورد اشکال متعالی و دقیق تر سازماندهی سندیکاها در صنایع گوناگون و سازماندهی مبارزه در جهت منافع و خواست هاى واقعی کارگران، اعتماد زحمتکشان را به آن جلب کرد. مساله اینست که نباید گذاشت که ابتکار عمل دگرپاره بدست سران ضد کارگری «خانه کارگر» و «شوراهاى اسلامى کار» بیفتد چرا که آنان مخالفت آشنى ناپذیر خود با مفهوم تشکل هاى صنفى مستقل کارگری علناً اظهار داشته اند و در این مسیر از هیچ گونه خرابکاری ابا نخواهند داشت.

این حقیقت که مطرح شدن علنی «لایحه تشکیل سندیکا» ها محافل ارتجاعى و نمایندگان آنان را در «خانه کارگر» و شوراهاى اسلامى کار به هراس انداخته است. عید علی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین، علناً مى گوید: «بحث ایجاد سندیکاهاى کارگری که به تازگی به جمع مشکلات عدیده کارگران افزوده شد مغایر با اصل ۱۰۴ قانون اساسی و ماده ۱۳۱ قانون کار بوده و غیر قانونی است». محمود انصاری فر، رئیس کانون همهانگی شوراهاى اسلامى کار استان قزوین، در همین راستا اظهار مى دارد: «با تشکیل اتحادیه هاى کارگری نه تنها مشکلات جامعه کارگری حل نخواهد شد؛ بلکه نهادمدنی و مقدس شورای اسلامى کار برخلاف قانون تضعیف مى شود. از آنجایی که نظام ما جمهورى اسلامى است، از نظر تشکیل اتحادیه هاى کارگری (سندیکا) بحث قانونی داریم. تشکیل سندیکا خلاف اصل ۱۰۴ قانون اساسی بوده و تمامی مسئولان کشور باید قانونمند باشند».

وظیفه عناصر آگاه و پیشرو چیست؟

عمده مساله اینست که باید به کارگران یاری کرد تا بر پایه تجربه زندگى و مبارزه خود برضد اجحافات کارفرما و دولت هاى مدافع سرمایه داران این گام ساده ولی اساسی را بردارند که برای دفاع از منافع خود راهی جز تشکل ندارند. به آن ها باید یاری کرد که با الهام از نقش مستقل طبقه کارگر برای تامین آزادی و استقلال و رفاه زحمتکشان باید سازمانی از میان خود و بدست خود بوجود آورند تا در باره کلیه مسایل عام جامعه و اقتصاد و منافع خود و بخصوص در داخل واحد هاى تولیدی نقش تعیین کننده داشته باشد. این سازمان باید در امور داخلیش مستقل و آزاد باشد. در سایه چنین استقلالی است که اعضاى آن مى توانند یکپارچه نقش خود را ایفاء کنند هر نوع تلاشی که این استقلال و آزادی را پایمال کند، کوششى است برای نادیده گرفتن و زیرپا گذاشتن هویت مستقل طبقه کارگر، عدم اطمینان به زحمتکشان و مداخله در امور داخلی سازمان مستقل طبقه کارگر. مداخله در امور داخلی یعنی تحمیل اراده از خارج، سلب آزادی و ایجاد قیم برای رزمندگان زحمتکش. اگر این آزادی را از جمع سلب کنیم، آنوقت سازمان سندیکایی زحمتکشان در دفاع از منافع خود ناتوان خواهد بود. اگر آن ها حق آزاد در تعیین سرنوشت خود و جامعه کارى خود را نداشته باشند، مطمئناً نمى توان انتظار شرکت موثر از آنان در تحولات جامعه را داشت. ما اهمیت اساسی به آزادی و استقلال سازمانی در روند تشکیل سندیکا در واحد هاى تولیدی مى دهیم. در حقیقت وجود سندیکا مستقیماً وابسته به آزادی فعالیت سندیکایی و استقلال داخلی سازمان آن است. این آزادی بخشی از آن آزادی است که آماج عمده مبارزه توده ها در برهه کنونی محسوب مى شود. آنچه که باید در مورد تشکیل سندیکاها در جامعه پذیرفته شود عبارتست از: تضمین و تامین آزادی فعالیت هاى سندیکایی، به رسمیت شناختن هویت مستقل طبقه کارگر، عدم مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم در امور داخلی آن، به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل برای طبقه کارگر.

این نتایجی است که ما از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و جنبش کارگری و سندیکایی جهان طی دو قرن اخیر بدست آورده ایم. این نتایج به عنوان اصول اساسی سندیکایی در جهان پذیرفته شده است و همه کشورها و سازمان ملل

ادامه بازهم درباره لایحه تشکیل سندیکاهای ...

آنها به عنوان مقاله نامه امضاء کرده اند.

در این رابطه می بایست دولت همه تعهدات خود در رابطه با مقاله نامه های محوری سازمان بین المللی کار، و به ویژه مقاله نامه های ۸۷، ۹۸ و ۱۳۸ مربوط به حقوق بنیادی کار، را بپذیرد. ما مخصوصاً توجه فعالان کارگری میهن را به لزوم مردود شمردن تمهیدات رژیم برای مستثنی کردن کارگران صنایع بزرگ نظیر صنعت نفت، پترو شیمی و اتومبیل سازی و یا کارمندان دولت را در رابطه با لایحه تشکیل سندیکاها جلب می کنیم. اساساً کارگران و کارمندان هیچ واحد تولیدی و خدماتی صرفنظر از بزرگ و یا کوچک بودن آن نباید از تشکیل سندیکای خود ممنوع بشوند.

چگونه سندیکایی؟

مساله عمده و کلیدی این است که هم دولت و هم کارفرمایان بپذیرند که کارگران آزادانه دور هم جمع شوند و برای دفاع از منافع صنفی و طبقاتی خود دست به تشکیل سندیکا یا انجمن صنفی و یا اتحادیه کارگری بزنند.

بعضی ها تصور می کنند که باید قبل از هر چیز به کارگران بفهمانیم که در چه شرایط ناگواری زندگی می کنند تا بتوانند علیه این وضع مبارزه کنند. چنین تصویری عمدتاً بی پایه است، زیرا کسی که کار می کند و با عرق جبین خود نان بخورد و نمیر زن و فرزنداناش را تهیه می کند بهتر از هر سخنران و مبلغی می داند که دشواری زندگی چیست و سنگینی آن بدوش کیست. اما آنچه که زحمتکشان به آن کمتر آگاهی دارند این است که چگونه می توان با مبارزه متشکل دشواری ها را از پیش پا برداشت و اهمیت تشکل و سازماندهی در این میان چیست؟ آنها بدرستی اطلاع ندارند که زحمتکشان جهان، که در شرایط مشابه و دشواری زندگی می کرده اند از طریق تشکل و سازماندهی توانسته اند از فشار استثمار کنندگان بکاهند.

اغلب دیده شده است که زحمتکشان با اینکه به اهمیت تشکل آگاهی دارند و وجود سندیکا را می پذیرند ولی در برابر مخالفت های شدید کارفرمایان و یا مقامات مسئول دست به اقدام جدی برای تشکیل سندیکا نمی زنند. آن ها این کار را سنگ بزرگی می دانند که قدرت بلند کردن آن را ندارند و چون کار انجام نگرفته است لذا مشکلات چون کوهی در مقابلشان قرار می گیرد. برای حل این مشکل باید کار را از جایی شروع کرد که اقدام دسته جمعی عملی باشد. در این رابطه مساله پیش قدم شدن فعالان سندیکایی با سابقه و کارگران آگاه و پیشرو که سابقه خوبی در میان کارگران دارند، اهمیت کلیدی دارد. ثابت قدمی این عناصر پیشرو در دفاع از منافع کارگران بسیار اهمیت دارد. برخی به غلط تصور می کنند که پیشرو باید کتاب ها آموخته باشد و طبق نسخه های معین توده ها را متشکل سازد. آن ها به اشتباه تصور می کنند که برای سازماندهی سندیکائی دست خط و یا نسخه هایی وجود دارد که بدون آن امر تشکل غیر ممکن است. در عمل آنچه به عنوان سازمان سندیکایی زحمتکشان مورد نظر است اساساً ستاد فرماندهی بی است که باید از مطالبات کارگران مطلع باشد، مسائل جزء و کل را طبق بندی کند و برای هر یک راه حل های مناسب تهیه نموده و در انجام آن طبق نقشه و برنامه معین بکوشد. این ستاد باید از دیدگاه طبقاتی مبارزات سندیکایی را در واحد تولیدی مورد بررسی قرار دهد و روند حرکت آینده را در رابطه با مسائل اساسی تسریع کند. باید حرکات را نه فقط در داخل واحد خود ببیند بلکه در رابطه با آنچه که در سایر واحد های تولیدی و سراسر جامعه می گذرد،

مورد توجه قرار دهد. باید عمده را از غیر عمده جدا کند و جهت اصلی مبارزه سندیکایی را مشخص کند. باید توجه داشت که جنبش خودبخودی در میان زحمتکشان نفوذ و کشش زیادی دارد و زحمتکشان را به کوره راه حوادث می کشاند. نقش آگاهانه سندیکا می تواند و باید این جنبش را به مسیر واقعی خود سوق دهد. در نهایت دو نکته اساسی در رابطه با محتوای فعالیت سندیکا اهمیت کلیدی دارد: اول اینکه سازمان سندیکایی باید با توده های زحمتکش محیط خود پیوند دائمی داشته باشد، یعنی توده بی باشد. و دوم اینکه سازمان سندیکایی زحمتکشان باید با تکیه به منافع طبقاتی زحمتکشان آگاهانه مبارزه آنان را رهبری کند، یعنی مستقل باشد.

تجربه اندوزی در روند مبارزه

نقش فعالان آگاه طبقه کارگر در این دوره بسیار اهمیت دارد. عناصر پیشرو باید از کتاب زندگی روزمره محیط زحمتکشان بیاموزند، فکرشان را بطور اساسی برای شناخت این واقعیات بکار ببندازند تا بتوانند واقعیات را در مسیر تشکل و سازماندهی به حرکت در آورند و نیروی پرتوان زحمتکشان را رهبری کنند. عناصر پیشرو باید با توده های زحمتکش در محیط کار ارتباط و پیوند ناگسستنی داشته باشند. آن ها می باید در همه مبارزات داخل واحد تولیدی و آنجا که مطالبات زحمتکشان مطرح می باشد پیشقدم و آگاه باشند. نفوذ و اعتبار عناصر پیشرو در محیط کار و وسیله موثری است برای اقدامات دسته جمعی و رهبری زحمتکشان. این حقیقتی است که در روند مبارزات صنفی پیوند عناصر پیشرو و زحمتکشان افزایش می یابد و گام های اولیه و لازم برای امر تشکل برداشته می شود. یعنی بدو تشکل و اقدام دسته جمعی حول مساله ساده یی انجام می گیرد سپس مسایل اساسی تر و حیاتی تر زحمتکشان مطرح می گردد. هر اقدام دسته جمعی کوچکی به منزله جویبار کوچکی است که راه را برای رودخانه باز می کند. هر قدر اقدامات دسته جمعی گسترش یابد بهمان اندازه اتحاد زحمتکشان ممکن تر و امکان هماهنگی بین عناصر پیشرو بیشتر می شود. این است روند تکامل فعالیت های سندیکایی بسوی تشکل سندیکا در یک واحد تولیدی.

نکته یی که باید در امر تشکل مورد توجه قرار بگیرد این است که باید از خواسته های کوچک شروع کرد و تا زحمتکشان به علت موفقیت تشویق به شرکت بیشتر در مبارزه بشوند. البته راه همیشه هموار نیست و حتی در این قدم های ساده نیز امکان شکست و ناکامی وجود دارد.

این ناکامی ها ممکن است به علت انتخاب نادرست شعار ها باشد و یا بر عکس شعار ها صحیح و خوب باشند ولیکن هنوز زحمتکشان صحت آن ها را در عمل و تجربه درک نکرده باشد. در چنین وضعی باید مسائل را موشکافی کرد و با صبر و حوصله لازم به زحمتکشان فهماند که علت چه بوده است. این است تجربه اندوزی توده ها در روند مبارزه.

به موازات این قدم ها در رابطه با داخل محیط کار، برای کمک به رشد فعالیت های سندیکایی، باید سعی نمود این فعالیت ها با فعالیت های سندیکایی خارج از محیط کار پیوند بخورد. باید فعالیت های خارج، یعنی فعالیت های زحمتکشان کارخانه های شهر و منطقه و یا سراسر کشور در داخل کارخانه انعکاس یابد. از این طریق قدرت و اثربخشی فعالیت های سندیکایی سراسر جامعه و پیوند آن با مبارزات داخلی آشکار گشته و کارگران با توان بیشتری دست به اقدامات دسته جمعی می زنند. به علاوه پیوند جنبش سندیکایی میهن با جنبش سندیکایی بین المللی و جلب پشتیبانی زحمتکشان جهان از مبارزه زحمتکشان ایران امری است ضروری و حتمی. در این رابطه نقش عناصر پیشرو و نیروهای مترقی و طرفدار طبقه کارگر کلیدی است. مبارزه سختی در راه است. باید با دیدی باز، بر پایه اصول و با هدف گرد آوردن همه زحمتکشان در این راه قدم گذاشت.

ادامه ارتجاع و تجربه هایی که نباید ...

افزون بر این در جریان نماز جمعه این هفته تهران و شهرستان ها گزارش شد که دعاگو، از نمایندگان سرشناس ارتجاع، امام جمعه شمیرانات، عضو هیأت منصفه مطبوعات، منتصب خامنه ای در «شورای سیاستگذاری ائمه جمعه و عضو شورای مساجد» در خطبه دوم نماز جمعه این شهرستان، ضمن حمله شدیدی به خاتمی و دولت او در تحلیل از اوضاع کشور از جمله گفته است: «دولتها از آغاز انقلاب تاکنون به ۵ دوره تقسیم می شوند. دوره اول دولت بازرگان و بنی صدر که به وسیله نهضت آزادی شکل گرفت و کاری جز خیانت، برای ملت انجام نداد؛ دوره دوم، دولت شهید رجایی که واقعا خدمتگزار بود؛ دوره سوم، دولت مقام معظم رهبری که همانند دوره دوم بود؛ دوره چهارم زمان آقای هاشمی که همه خدمات اساسی و پایه ای را انجام داد و ۶ سال است که طرح های ایشان افتتاح می شود. دولت خاتمی کاری نکرده است و واقعا دوران سازندگی کشور در زمان آقای هاشمی شکل گرفت و اما دوره پنجم، یعنی دولت خاتمی که عین دوره اول است، نه تنها هیچ خدمتی به مردم نکرده، بلکه در همه صحنه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... شکست خورده و همواره در کشور تنش ایجاد کرده است!» از این مجموعه خبری روشن است که هدف تدارکات وسیعی که در دست اجراست نخست پاکسازی مجلس از «افراد نفوذی» و سپس تسویه حساب با دولت «خیانت کاری» است که کاری جز «ضربه زدن به نظام» انجام نداده است.

ارتجاع به خوبی آگاه است که اصلاح طلبان حکومتی به دلیل مماشات و تسلیم طلبی شش سال گذشته و رویگردانی از اتکاء به نیروی عظیم اجتماعی خواهان پیش برد روند اصلاحات، و تعمیق آن، بخش بزرگی از پایگاه اجتماعی خود را از دست داده است. ناامیدی مردم از امکان تحقق قول های داده شده و روند تسلیم گام به گام اصلاح طلبان در مقابل فشارها و حملات پی در پی ارتجاع، تشدید فشار و جو سرکوب، و همچنین بهره جویی از بهانه خطر خارجی آنچنان شرایطی را فراهم آورده است که ارتجاع به راحتی می تواند، همچون انتخابات شوراهای شهر و روستا، در اسفند ماه گذشته، با رأی بسیار محدودی، حتی کمتر از ده درصد واجدین شرایط، کنترل «قانونی» و کامل خود را بر دستگاه های اجرایی و قانون گذاری کشور مجدداً برقرار کند. مقابله با این توطئه های ارتجاع مستلزم بسیج وسیع توده ها حول شعارها و خواست های روشن مبارزاتی و استفاده از همه ابزارها و شیوه های ممکن است.

ادامه نصب لوح یاد بود به مناسبت صدمین سالگرد...

از آن جا که برای حزب توده ایران به عنوان ادامه دهنده راه دکتر تقی ارانی و دیگر پیروان و علاقه مندان او متأسفانه در داخل کشور به دلیل وجود استبداد و حاکمیت ارتجاع هیچ گونه امکانی برای گرامی داشت یاد و خاطره این شخصیت بزرگ و مبارز وجود ندارد، و طبعاً نمی توان در صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی آن گونه که شایسته شخصیت علمی و انقلابی او است، از وی یاد کرد، نصب لوح یادبود، گام کوچکی است در گرامی داشت خاطره این انسان شریف. با این امید که روزی در آینده نزدیک بتوان آن چنان که در خور دکتر تقی ارانی است از او تجلیل به عمل آورد. متأسفانه هنوز هم در میهن ما که دکتر ارانی جان خود را برای سعادت و آبادانی آن فدا کرد، خیابان و یا مدرسه بی نام او را بر پیشانی ندارد. آری در دوره استبداد رضاخانی از نام دکتر ارانی می ترسیدند و امروز در دوره استبداد ولایت فقیه هم از نام او می ترسند.

* * *

رفیق علی خاوری در مراسم پرده برداری از لوح یادبود دکتر تقی ارانی به مناسبت صدمین زادروز این آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران از جمله گفت: «امسال حزب توده ایران و پیروان سوسیالیسم علمی صدمین سالگرد تولد انسان ارجمند و بزرگی را بر گزار می کنند که با وجود عمر کوتاه خود بشمار سال ها، از برجسته ترین مشعل داران اندیشه و رزم رهایی انسان های کار و زحمت بود. او کرسی استادی در دانشگاه معتبری مثل دانشگاه برلن و همه امتیازاتی که ادامه کار و پژوهش های علمی اش می توانست برای او به ارمان بیاورد باقی گذاشت و به یاری جامعه و میهنی شتافت که سخت ستم دیده و عقب مانده بود، جامعه و میهنی را که از جانش بیشتر دوست می داشت. او در ظلمات استبدادی رضاخانی بینش، روش و منشی ارابه کرد که بحق مشعل راهنمای شاگردان و رهروان راهش شد. دکتر تقی ارانی حدود پنج سال از عمر کوتاه خود را در این خانه بسر برده است. نصب این لوح یادبود در صد سالگی تولد آموزگار زحمتکشان میهن ما بر سردر این خانه سپاس و محبت حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما - حزب توده ایران را نسبت به این رادمرد تاریخ رزم های رهایی بخش توده های کار و زحمت ایران، به همراه دارد. یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد!»

ستون با نشاط!

هفته دولت

اکنون که هفته دولت است، من موافق کوچک کردن دولت خاتمی بشکل زیر هستم:

۱. بخش اقتصاد دولتی را به بخش اقتصاد خصوصی ولی بیت المال، یعنی آقای رفسنجانی واگذاریم.
۲. آنچه را که از وزارت دادگستری باقی مانده، دو دستی به رهبر تحویل دهیم.
۳. وزارت کشور را هم بین شورای نگهبان و شورای مصلحت نظام تقسیم کرده و به آنها واگذاریم.
۴. وزارت خارجه را هم چنانکه ولی فقیه تعیین کننده سیاست آنست به او تقدیم کنیم.
۵. وزارت آموزش و پرورش را هم زیر نظر ائمه جمعه قرار داده تا تکلیف مکانهای نماز جماعت معلوم شود و هم وصلت حوزه

و آموزش و پرورش بنحو احسن صورت گیرد. می توان نام آنرا هم از وزارت آموزش و پرورش به وزارت «پرورش حوزه» تغییر داد.

۶. در مورد وزارت بهداشتی، من موافقم که فقط وزیر آن عوض شود و آقای ملاحسنی وزیر آن بشود تا حداقل مریض ها با لبخند از این دنیا بروند و در صد بالای سکنه هم کاهش یابد. ضمناً مریض ها با دیدن آقای ملاحسنی خواهند فهمید که این دنیا چندان هم آس دهن سوزی نیست که بخواهند بیشتر در آن بمانند.

و تا زمانی که این پرونده مسیر قانونی خود را طی کند و به اهداف نهایی خود، یعنی کوچک کردن کامل دولت برسد، من موافقم که یک وزارت خانه جدید بنام وزارت خانه «دولت خراب کن» زیر نظر مستقیم ولی فقیه تأسیس گردد تا هرچه زودتر این روند به سرانجام برسد. بعد از عملی شدن این طرح، من موافقم که وقت «هفته دولت» از یک هفته به هفت دقیقه کاهش یابد و آنهم به آقای خاتمی داده شود که جلو دوربینها ظاهر شود و لبخند بزند.

نخست وزیر انگلیس در «محکمه»

مسائل مربوط به خودکشی سئوال برانگیز دکتر دیوید کلی، متخصص سلاح های میکروبی و کارمند عالی رتبه وزارت دفاع و سیستم امنیتی انگلستان در رابطه با جنجال مطبوعاتی بر سر ادعای جعلی وجود «سلاح کشتار جمعی» در عراق، سبب بحث های جدی و جنجال برانگیز در انگلستان شده است. به گزارش سازمان های نظرسنجی بیش از دو سوم مردم این کشور اعتماد خود به «تونی بلر» و دولت او را از دست داده اند. قریب یک سال پیش، در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲، دولت بلر اولین گزارش رسمی مربوط به وجود «سلاح کشتار جمعی» در عراق را ارائه داد که در آن ادعا شده بود عراق به سلاح های اتمی، میکروبی و شیمیایی دسترسی دارد و می تواند این تسلیحات مخوف را در عرض ۴۵ دقیقه مورد استفاده قرار دهد. بر پایه این ادعا که گویا بر پایه اطلاعات امنیتی تایید شده تدوین شده بود، بسیاری از نمایندگان پارلمان انگلیس مجاب به حمایت از سیاست و یا حداقل سکوت در رابطه با لایحه جنجالی حمله نظامی به عراق گردیدند. ادعایی که بعدها مشخص شد نه تنها واقعیت ندارد، بلکه تنها یک دروغ برای جلب افکار عمومی، خاموش کردن صدای مخالفان و وادار کردن پارلمان برای تصویب لایحه حمله به عراق بوده است.

دروغ های دولت بلر زمانی افشا شد که دو خبرنگار بی بی سی بر پایه مصاحبه های خود با دیوید کلی طی گزارش هایی دولت «تونی بلر» را متهم کردند که در تدارک برای حمله به عراق و جلب افکار عمومی به دروغگویی در مورد قدرت تسلیحاتی عراق دست زده و اسناد جعلی در پرونده گنجانده است. دولت بلر در برخورد اولیه با این ادعای بی بی سی، اعلام کرد که خبر واقعی نیست و تقاضای عذر خواهی مسئولین بی بی سی از دولت را خواستار شد. با اوج گیری جنجال مطبوعاتی در مورد سند جعلی دولت و سازماندهی یا کارزار روانی بر ضد دیوید کلی، اعلام شد که مامور عالی رتبه نظامی - امنیتی انگلستان در شرایط سئوال برانگیزی «خودکشی» کرده است. با شروع تحقیقات در مورد علت مرگ دکتر کلی، نقش چهره های اصلی دولت بلر و از جمله خود نخست وزیر، مسئول دفتر او، رهبران سیستم امنیتی، وزیر خارجه و وزیر دفاع این کشور در مورد گزارش اطلاعاتی دوباره مطرح شده است و اینکه آنان نقشی جدی در تهیه گزارش های جعلی در مورد تهدید های صدام و توان نظامی آن داشته اند. در هفته گذشته نخست وزیر انگلیس و وزیر دفاع این کشور در مقابل هیئت تحقیق در این رابطه حاضر شده و به سئوال های صریح و متهم کننده آنان پاسخ دادند. «گودریک اسمیت» یکی از سخنگویان دولت بلر، برای سرپوش گذاشتن بر روی دروغگویی های دولت، در جریان تحقیقات و در دفاع از گزارش ارائه شده گفت: «دفتر نخست وزیر فقط در رابطه با شکل و فرم ارائه گزارش دست داشته است، نه در جنبه های اطلاعاتی آن». در پی افشای دروغگویی دولت بلر و ارائه اسناد و مدارک جعلی در مورد عراق، مسیر درگیری با خبرنگاری بی بی سی و بحث بر سر چگونگی ارائه اسناد جعلی عوض شده و دولت بلر با بی شرمی «کار آبی» «توانایی» و «قدرت قضاوت» دکتر کلی را زیر سئوال برد تا بتواند بر دروغگویی و فریب مردم و ارائه اسناد جعلی سرپوش بگذارد. اما در واقع چندین ماه پس از حمله و اشغال عراق و آشکار شدن بسیاری از مسایل، مشخص شده است که چه قبل و چه بعد از حمله به عراق و اشغال آن، هیچ گونه مدرک قانع کننده ای در مورد سلاح های کشتار جمعی وجود نداشته است و این ادعا تنها دروغ بزرگی برای فریب مردم و آماده کردن افکار عمومی برای حمله به عراق و اشغال آن توسط نیروهای آمریکایی و انگلیسی بوده است.

نامه سرگشاده خانواده های زندانیان

ملی - مذهبی

بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا، خانواده های زندانیان ملی - مذهبی (پروین بختیارنژاد نرگس محمدی لاله قهرمانی فریده جمشیدی)، دوشنبه ۱۰ شهریورماه با رؤسا و اعضای کمیسیونهای اصل ۹۰، امنیت ملی و قضایی مجلس در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی دیدار کردند و ضمن ابراز نگرانی شدید درباره وضعیت عزیزان دربندشان نامه سرگشاده ای را خطاب به ۳ کمیسیون مسئول مجلس شورای اسلامی منتشر کردند. در این نامه از جمله می خوانیم: «ما خانواده های بازداشت شدگان ملی - مذهبی ضمن اعتراض و انتقاد نسبت به بازداشت، نحوه برخورد، ادامه روند نگهداری ایشان در سلولهای انفرادی و شرایطی که منجر به اعمال شرایط طاقت فرسا به فرد متهم می باشد، خواهان رسیدگی و پیگیری رؤسا و نمایندگان محترم کمیسیونهای فوقالذکر، راجع به وضعیت پرونده و وضعیت جسمی و نحوه نگهداری و آزادی عزیزان خود می باشیم. ۱ - طی یک ماه و نیم بازداشت موقت رحمانی، صابر، طیرانی و علیجانی، تنها یک بار ملاقات کوتاه مدت و بسیار نگران کننده با خانوادهها میسر گشته است. ۲ - خانوادهها پس از ملاقات متوجه شده اند که همسرانشان در شرایط سخت و سلول انفرادی نگهداری می شوند و این شرایط موجب بروز بیماری و لاغری شدید و ضعف ایشان شده است...» نامه در ادامه می افزاید: «جای این سئوال است که در کدام قانون و آئین و مرام است که به منازل افراد فعال سیاسی و روشنفکران بریزند و بشکنند و بپاشند و هر چه می خواهند (حتی چک با مبالغ ناچیز) را با خود ببرند... همسران ما از یک سو با پرهیز از هر گونه ترویج خشونت و افراطی گری و از سوی دیگر تن ندادن به سکوت و انفعال به آگاهی بخشی به جامعه خود پرداختند...» نامه در انتها می افزاید: «گروهی به نام دین، انسان هایی را حتی از داشتن کوچکترین حقوق انسانی محروم می کنند و با در دست گرفتن زندان و سلول انفرادی، راه را به روی ملت می بندند و افسوس که گروهی دیگر با رضایت و گروهی دیگر با سکوت و روزمرگی و در حالی که مسئولان کشور و ملتند، زبان در کام فرو بستند و تنها نظاره گر ظلم و مظلومه و مظلومان محترم ما خانوادههای بازداشت شدگان ملی - مذهبی با توکل به خدا و با امید به سربلندی و حفظ سرزمین و آئینمان، از شما نمایندگان محترم و رؤسای محترم کمیسیونهای اصل نود، امنیت ملی و قضایی و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی خواهان: ۱ - آزادی هر چه سریعتر زندانیان سیاسی و عزیزان دربندمان (تقی رحمانی، هدی صابر، امیر طیرانی و رضا علیجانی) ۲ - رفع تضییع حقوق بشری و انسانی خود و همسران دربندمان و اجرای قانون و عدالت می باشیم.» حزب توده ایران هم صدا با همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران از جمله دربندان ملی - مذهبی است. تنها با تشدید تلاش منسجم و متحد جنبش مردمی و همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است که می توان راه را بر روی توطئه های مرتجعان حاکم بست و امکان آزادی مبارزان دربند را فراهم آورد.

بمب گذاری های تروریستی در بغداد به

سود کیست؟

موج عملیات تروریستی که در ماه های اخیر برضد نیروهای نظامی آمریکایی و انگلیسی در جریان بوده در هفته های اخیر، با یک تغییر چشمگیر در هدف گیری، به بمب گذاری در مقر سازمان ملل در بغداد و مسجد حضرت علی در نجف که در جریان آن عده زیادی کشته شدند و به انهدام خطوط لوله آبرسانی و صدور نفت منجر گردید.

بمب گذاری شدیداً سثوال برانگیز مسجد حضرت علی در نجف که در جریان آن آیت الله محمد باقر حکیم، رهبر «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق»، و نزدیک به هشتاد نفر از نماز گزاران، در مراسم نماز جمعه، در روز ۷ شهریور به قتل رسیدند، نیز عمدتاً به نفع سیاست ایالات متحده در عراق است. در اینکه قربانی حملات تروریستی به سیستم خطوط آبرسانی و صدور نفت در نهایت مردم و زحمتکشان عراق می باشند، نیز نباید تردیدی داشت. در مطبوعات و در گزارش های خبری تئوری های فراوانی در مورد این که چه نیرویی این حملات را صورت داده است مطرح شده است. از «گروه های تروریستی» گرفته تا گروه القاعده، مبارزین خارج از عراق، گروه های شیعی مذهب و یا سنی مذهب، طرفداران صدام و غیره در این لیست قرار دارند. اما آنچه که مهم است و باید در نظر گرفته شود این است که چه انگیزه هایی می تواند سبب بمب گذاری در مقر سازمان ملل و محل نماز جمعه در نجف شود و این عملیات تروریستی منافع چه نیروهایی را تامین می کند. برخی از تحلیل گران غربی بمب گذاری در مراسم نماز جمعه در نجف و قتل آیت الله حکیم را به نیروهای «رادیکال» شیعه طرفدار مقتدا صدر، نسبت می دهند و آن را ضربه یی به سیاست های کنونی آمریکا می دانند. اما باید اشاره کرد که از بین برداشتن آیت الله حکیم در اساس به نفع ایالات متحده است زیرا که «مجلس اعلای...» و رهبران آن پس از مشروعیت دادن به حمله نظامی به عراق و اشغال این کشور و هماهنگی کامل با آمریکا در یکی دو سال اخیر در این رابطه دیگر عملکرد مفید چندانی به سود ایالات متحده نمی توانستند داشته باشند. به ویژه اگر به موضع گیری های رسمی ایالات متحده در رابطه با دخالت نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران در عراق و سیاست کلی آمریکا در منطقه در رابطه با محدود کردن حیطه نفوذ نیروهای بنیادگرای اسلامی و طرح های آینده این کشور در ایجاد پیمانی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی بین عراق، ترکیه، اردن و اسرائیل توجه داشته باشیم. از سوی دیگر ادامه و گسترش حملات پراکنده به نیروهای اشغالگر نظامی در همه مناطق عراق نمایشگر مشکلات بغرنج امپریالیسم برای تحکیم کنترل خود بر این کشور است. اوضاع عملاً خارج از کنترل به نظر می رسد. تعداد نیروهای نظامی که در عراق کشته می شوند رو به افزایش است، کشورهای دیگر از اعزام نیرو و کمک به آمریکا در عراق عجله ای نشان نمی دهند بسیاری از سربازان آمریکایی به دلیل طولانی شدن اقامت در عراق و خطر دائمی که آنها را تهدید می کند، خواستار بازگشت به آمریکا هستند. پس از بمباران مقر سازمان ملل، کولین پاول با حضور در شورای امنیت سازمان ملل تلاش کرد تا با سازماندهی قطعنامه جدیدی،

سایر کشورها را ترغیب کند تا نیروی نظامی لازم را برای کمک به آمریکا و برای حفظ «آرامش و صلح» در عراق را، به این کشور اعزام کنند.

بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل خواستار خروج نیروهای آمریکایی از عراق و تشکیل دولتی دموکراتیک هستند. «هانس فون اسپونک»، منشی سابق دبیر اول سازمان ملل، در عراق طی مصاحبه یی اخیراً گفت: «...بوش امروز باز تکرار کرد که آنها (آمریکا) برای عراق آزادی به ارمغان آورده اند. اما این آزادی نیست. آزادی تحمیل شده توسط یک نیروی خارجی، آزادی واقعی نیست.»

«سالم لون»، سخنگوی سازمان ملل در عراق، نیز ضمن تشریح واقعه بمباران مقر سازمان ملل در بغداد، در رابطه با حضور سازمان ملل در عراق و اهداف آن گفت: «ماموریت سازمان ملل پایان بخشیدن به اشغال عراق است.»

شواهد بسیاری وجود دارد که آمریکا و انگلستان خواستار داشتن کنترل کامل عراق هستند تا بتوانند، برنامه های «باز سازی» عراق را با حضور شرکت های وابسته به خودشان، انجام دهند و در این راه حضور سازمان ملل، را مانع بزرگی می بینند و بهمین دلیل آمریکا آمادگی قبول مشارکت جدی از سوی سازمان ملل در امور عراق را ندارد. بنا به نوشته نیویورک تایمز دولت بوش طرح افزایش نقش بیشتری برای سازمان ملل را در عراق اشغال شده رد کرده است و این در حالی است که پیش شرط کشورهای فرانسه، روسیه، هند و سایرین برای فرستادن نیروهای نظامی خود به عراق، ایفای نقش محوری از سوی سازمان ملل به عنوان اصلی ترین نهاد کنترل کننده در این کشور است.

آمریکا از سویی تلاش می کند تا با جذب سایر کشورها بار مسئولیت و هزینه ها را در عراق برای خود کاهش دهد و از سوی دیگر نمی خواهد این فرصت استثنایی برای تثبیت هژمونی نظامی، سیاسی و اقتصادی در منطقه را که از طریق کنترل انحصاری جهت تحولات عراق بوجود آمده است، از دست بدهد. فرصتی که نه تنها نیروهای آمریکایی را در منطقه برای فعالیت های بعدی آماده نگه می دارد، بلکه امکان استفاده از منابع عظیم نفتی عراق را نیز ایجاد می کند که در آینده باید شاهد تاثیر گذاری آن بر روی سیاست های نفتی سایر کشورها باشیم.

آن چه که مسلم است این است که آمریکا حاضر نیست هیچگونه مصالحه ای در مورد حضور سازمان ملل در عراق داشته باشد و در راستای سیاست های سالیان اخیر خود تلاش دارد تا این نهاد بین المللی سازمان ملل را «کهنه» و «غیر ضروری» جلوه دهد، نفوذ آن را در عرصه های مهم تحولات جهان محدود کند، آن را تحت کنترل خود در آورد.

کمک های مالی رسیده

۵۲۰ دلار

چمنی آرش

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 668
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

2 September 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse